

این توبه از آن توبه‌میری‌ها نیست!

روح الله حبیbian



انسان‌ها به آن نیازمندند اما بر خلاف تصور ما این عمل یک کار تشریفاتی آن هم مربوط به شب‌های قدر یا روز عرقه و احیاناً دعای کمیل و مانند آن نیست بلکه بنابر نظر علما و فقها توبه یک واجب فوری است؛ چراکه حتی یک لحظه غفلت از آن ممکن است به قیمت هلاکت و شقاوت ابدی انسان تمام شود. توبه در هر زمانی قابل قبول و پذیرش است مگر زمانی که مرگ انسان فرا می‌رسد و انسان در آستانه انتقال به جهان آخرت قرار می‌گیرد. در آن صورت به تصریح قرآن توبه نتیجه‌ای نخواهد داشت و از آنجا که هیچ‌کس از زمان مرگ خود مطلع نیست به تأخیر انداختن زمان توبه می‌تواند به از دست دادن این فرصت حیاتی منجر شود.

از کدام گناه؟

خیلی‌ها فکر می‌کنند توبه مربوط به گناه کاران قهار و آدم‌های خیلی خلاف است در حالی که هر گناهی چه کوچک و چه بزرگ توبه می‌خواهد. حتی در روایات آمده که کوچک شمردن برخی گناهان و توبه و استغفار نکردن از آنها یکی از مهم‌ترین عوامل هلاکت انسان‌هاست. روایت مشهوری از رسول خدا نقل شده که زنی به‌خاطر زندانی کردن یک گربه که منجر به مردن حیوان زبان‌بسته شد به جهنم افتاد. شاید این حیوان‌آزاری در مقابل بسیاری از گناهان دیگر آن چنان بزرگ به‌نظر نرسد ولی غضب خداوند را برای زن بدبخت به‌دنبال داشت.

حتی شیطان

گاهی برخی گناه کاران دچار این وسوسه می‌شوند که کار من از توبه گذشته و من با این همه گناه اگر توبه هم بکنم فایده‌ای به حالم نخواهد داشت در حالی که توبه باب رحمت بی‌کران خداوند است و به روی هیچ‌کس حتی گناه کارترین بندگان بسته نیست حتی اگر خود شیطان، خالصانه و صادقانه از اشتباهات خود توبه کند یقیناً خداوند توبه او را خواهد پذیرفت و نباید کسی را به‌خاطر زیادی و بزرگی گناهش از رحمت خداوند ناامید کرد. البته در برخی آیات و روایات به این نکته اشاره شده که اگر ظلمت و شقاوت انسان به حد معینی برسد دیگر توفیق بازگشت و توبه صادقانه را نخواهد داشت ولی اگر گناهکاری قصد توبه کرد و به حالت شرمساری رسید معلوم می‌شود هنوز توفیق توبه و بازگشت دارد.

از کجا، کی و چگونه؟

هرچند شیوه‌ها و آداب خاصی برای توبه ذکر شده اما در اصل توبه و بازگشت، هیچ آداب و ترتیبی نیاز نیست و رسیدن به مرز پشیمانی واقعی خود بهترین توبه است و در درگاه خداوند یک نگاه شرمسار و یک چشم اشک‌آلود برای بازگشت از ظلمت به نور کافی است البته هر توبه‌ای دو مرحله

■ بالاخره این تابستان هم با همه زشتی‌ها و زیبایی‌هایش به‌خصوص با جاروجنجال‌های المپیکش به پایان رسید - حالا که اسم المپیک را بردیم لازم است همین‌جا اعلام کنیم این همه شکست‌ها و خیطی‌ها و مدال نیاوردن‌ها و خرج میلیاردها تومان از جیب بیت‌المال چیزی از شایستگی‌های بچه‌های ما کم نمی‌کند! - به‌هر حال امیدواریم ادا و اطوار چشم‌بادومی‌ها در اندوخته‌های حافظه مبارکتان اختلال ایجاد نکرده باشد و مثلاً یادتان باشد که چند شماره قبل، از ارتباط مباحث احکام و اخلاق و عقاید صحبت کردیم و نمونه‌هایی از آن را هم آوردیم. با توجه به حال و هوای ماه مبارک قصد داریم در این شماره یکی از مباحث اخلاقی را که شامل احکام متعدد شرعی است، مطرح کنیم.

توبه

با شنیدن این کلمه چه چیزهایی به ذهنتان خطور می‌کند؟ احتمالاً قبر، قیامت، پیرمردهای لنگان، دعای کمیل، زندان و یا حتی فیلم «توبه نصوح» محسن مخملباف! متأسفانه توبه هم مانند تقوا، امر به معروف و... از مفاهیمی است که به‌خاطر برخی برداشت‌ها و عملکردهای غلط در سال‌های نه‌چندان دور گرفتار نوعی حس منفی و انزجار اجتماعی شده در حالی که در فرهنگ دینی ما حقیقتی به‌نام توبه از جایگاه بسیار بلند و اهمیتی فوق‌العاده برخوردار بوده و خداوند در آیات بسیاری از قرآن همه مؤمنان را به توبه امر می‌کند.

حقیقت این توبه چیست؟

در لغت، توبه به‌معنی بازگشت است و در اصطلاح به عزم انسان برای دست کشیدن و بازگشت از مسیر اشتباهات و خطاهای گذشته گفته می‌شود؛ البته این اشتباهات خودشان انواع و اشکال متفاوتی دارند که اقسام توبه را هم تشکیل می‌دهند مانند توبه از کفر و شرک، توبه از گناه و معصیت به سوی اطاعت و بندگی خدا، توبه از قصور و کوتاهی در معرفت حضرت حق و... و اتفاقاً با توجه به همین احکام متفاوت روشن می‌شود که رمز توبه و استغفار انبیاء و امامان معصوم علیهم‌السلام را باید در معانی عالی و بلند توبه و مراتب بالای آن جست‌وجو کرد. یعنی این بزرگواران هر چند از باب وظیفه مجبور به سرگرم شدن به مشکلات مردم و ظواهر دنیا بودند اما همین مقدار ترک توجه نسبت به حضرت حق را یک جور کوتاهی از سوی خود دانسته تلاش می‌کردند اثرات آن را با توبه و استغفار برطرف کنند؛ چنان‌که امام سجاده علیه‌السلام می‌فرماید: «خدا یا از تو آمرزش می‌طلبم به‌خاطر هر لذتی که به‌غیر از یاد تو برای من حاصل شد».

واجب خیلی فوری

مهم‌ترین و شایع‌ترین قسم توبه، توبه از گناه و معصیت است که به‌غیر از امامان معصوم همه



درنگ

رضیه برجیان

عید فطر این سال‌ها با دغدغه دیدن و ندیدن ماه توام شده است؛ داستانی که از عصر پیامبر ﷺ تا به حال به صورت مختلفی تکرار شده، و حتماً این روایت را هم از امام صادق ﷺ شنیده‌اید که: تاویل آنچه برای شما پیش می‌آید در قرآن آمده است، و ماجرای تغییر قبله را نیز، نه اشتباه نکنید منظورم این نیست که قرار است چند بار دیگر قبله عوض شود!

بعد از تغییر قبله، افراد چند دسته شدند یک عده بهانه پیدا کردند برای ایجاد شبهه در ذهن بقیه مردم؛ که این چه دینی است که هر چند سال یک دفعه قبله‌اش عوض می‌شود؟!

یک دسته هم مانده بودند که نمازهایی را که رو به بیت‌المقدس می‌خوانده‌اند، قضا کنند یا آنهایی را که رو به کعبه می‌خوانند؛ چون بالاخره یکی از این دو تا درست است!

و دسته سومی هم این وسط می‌گفتند ما وظیفه داریم از پیامبر ﷺ اطاعت کنیم چه دیروز که رو به بیت‌المقدس نماز می‌خواندیم و چه امروز که رو به کعبه نماز می‌گذاریم.

دسته اول منافقان بودند که به تعبیر قرآن، آیات وحی را فقط به قصد تحریف آن و ایجاد شبهه در ذهن مسلمانان می‌شنیدند و بعد هم در جلسات خصوصی، کشفیاتشان را به بقیه به عنوان خبر خوش می‌گفتند. * تکلیف این گروه که روشن است.

خداوند برای توجیه دسته دوم آیه ۱۷۷ سوره بقره را نازل کرد با این مضمون که: مهم نیست که به کدام طرف می‌ایستید مهم این است که برای چه آن طرف می‌ایستید برای اطاعت از خدا یا نظر شخصی خودتان.

در تأیید دسته سوم هم خداوند آیه ۱۴۳ سوره بقره را نازل کرد و تغییر قبله را امتحانی برای روشن شدن این که چه کسانی بر حق پایدار می‌مانند و چه کسانی از آن دست برمی‌دارند، خواند. البته چون این امتحان، شامل همه مسلمانان در همه زمان‌ها می‌شود مسلماً باید در زمان‌های مختلف بقیه نیز به شکل‌های مختلف از این امتحان‌ها بدهند.

شاید در زمان ما هم یکی از مصادیق این امتحان اختلاف قنای مراجع تقلید و اختلاف در روز عید فطر باشد.

* اشاره به آیه ۷۵ سوره بقره.

دارد یکی اظهار توبه و ندامت و دیگری قبول خداوند، و برای رسیدن به مرز قبولی توبه باید متناسب با هر اشتباه و خطایی به وظیفه کامل یک انسان تائب عمل شود. می‌توان گفت این مسأله مهم‌ترین شرط توبه است.

اصولاً انسان با هر گناه، حقی را زیر پا می‌گذارد اگر این حق، تنها حق خداوند یا همان «حق‌الله» بود یعنی حرمت خدایی خدا و دستورات شریعت او زیر پا گذاشته شد، کار قدری آسان‌تر است و انسان تائب باید تلاش کند در ضمن توبه و شرمساری بدهکاری‌های خود را صاف کند و نماز و روزه‌های گذشته یا خمس و زکات نداده را مطابق با وظیفه شرعی‌اش ادا کند و اگر هم گناهانش بازپرداختی نداشت فقط همان توبه و ندامت و ترک گناه کافی است. در هر حال خوش به حال کسی که سر و کارش با خدای کریم است.

امان از حق‌الناس

اما اگر با گناه انسان حقی از انسانی دیگر ضایع شود یا همان «حق‌الناس» برگردن انسان بیفتد کار دشوارتر می‌شود زیرا قبل از توبه به درگاه خداوند باید رضایت آن بنده خدا را هم به‌دست بیاورد مثلاً اگر در دوران کودکی میوه‌ای از باغ همسایه کنده و نوش‌جان کرده یا توپ قلقلی معروفشان را که سرخ و سفید و آبی هم بود به زمین زدید و به هوا رفت و از قضا شیشه پنجره یک فلک‌زده‌ای را ریز ریز کرد و شما هم فلنگ را بستید الان جسارتاً باید بروید و به صورتی از مالباخته محترم حلالیت بگیرید.

اما اگر با گناه، آبرو و حیثیت بنده خدایی زیر سؤال رفت مثلاً خدای نکرده با غیبت، آبروی کسی را بردید حتماً لازم است به هر شکل ممکن یا برای آن بنده‌خدا در همان جمع و موقعیت اعاده حیثیت کنید و یا از خودش حلالیت بگیرید؛ اما مشکل زمانی است که به‌واسطه گناه و خطای انسان افرادی دچار انحراف فکری و عقیدتی یا عملی شوند که در این‌جا باید اولاً آنها را دوباره به راه راست برگردانید و سپس خود به درگاه حضرت حق توبه کنید. خلاصه باید خرابکاری‌های به‌وجود آمده به نحوی سروسامان داده شود تا توبه قبول شود والا یک توبه زبانی راهی به دهی نخواهد برد.

یک مشکل بزرگ

خیلی‌ها می‌پرسند آقا ما پس از این همه سال چه می‌دانیم حق کدام بیچاره‌ای را ضایع کردیم مگر یکی دوتا است؟ یا بر فرض بدانیم الان امکان پیدا کردن طرف را نداریم یا اصلاً بیچاره به رحمت خدا رفته حالا چه خاکی باید به سرمان بریزیم.

در این صورت اگر حق مالی بر گردن ما بود و صاحب حق از دنیا رفته می‌توانیم مبلغ بدهی را به ورثه او بدهیم و اگر فرد را نمی‌شناسیم یا نشانی او را نداریم با پرداخت «مظلومه» به حاکم شرع و یا صدقه دادن از طرف بنده خدا می‌توان به نوعی

حساب‌ها را صاف کرد اما اگر حق، مالی نبود مثلاً غیبتی پشت سر طرف کرده بودیم و طرف از دنیا رفته، به‌ناچار باید با استغفار و خیرات به نیت او فردای قیامت بنده خدا را در رودربایستی قرار دهیم که از سر تقصیرات ما بگذرد؛ البته در خصوص این حلالیت‌طلبی‌ها توجه به دو نکته ضروری است:

۱. اگر احتمال می‌دهیم طلب حلالیت از کسی در مسائلی مانند غیبت منجر به ناراحتی و کدورت جدیدی بشود نیازی به مطرح کردن مسأله با خود فرد نیست و باید در حد توان با دعا و استغفار از طرف فرد صاحب حق یا به هر طریق دیگر مشکل را حل کرد و اثر غیبت را از میان برد.

۲. در بسیاری از موارد، ذکر اصل خطا و اشتباه ضرورتی ندارد و می‌توان به‌صورت مبهم و اجمالی در یک موقعیت مناسب از افراد حلالیت طلبید مثلاً پولی را به طرف بدهید و بگویید من مبلغی به شما بدهکار بودم و بابت تأخیرش عذر بخواهید و طلب حلالیت کنید حالا نیاز نیست بگویید روی ماشین صفر کیلومتر بنده خدا با کلید نوشته‌اید: «استقلال سرور پرسپولیس» یا بالعکس! و یا در یک وقت مناسب مثل شب قدر یا روز عید یا در وقت عزیمت به یک سفر زیارتی به طرف بگویید اگر احیاناً حقی از شما برگردن من است خواهش می‌کنم مرا حلال کنید و دیگر نگویید که در وقت خواستگاری بیچاره شما با خالی‌بندی خانواده دختر را منصرف کردید و عاشق بی‌نوا را ناکام گذاشتید...

نکته آخر

برای جلب رضایت خداوند و قبولی توبه توصیه‌هایی هم از سوی معصومان ﷺ شده که خیلی مناسب است برای جدی‌تر شدن عزم انسان بر توبه به آنها عمل شود مانند سه روز روزه‌گرفتن و انجام غسل توبه و خواندن دعاهایی مانند دعای اول مناجات خمس‌عشر در سحرهای جمعه. که یقیناً رضایت خدای کریم را جلب خواهد کرد خدایی که خودش فرموده «اگر بنندگان گنه‌کار می‌دانستند چقدر مشتاق توبه و بازگشت آنها هستم از شوق جان می‌دادم».

اما نباید فراموش کرد حقیقت توبه همان پشیمانی و احساس ندامت است و انسان تائب باید در مرحله اول از صمیم قلب و عمق جان پشیمان باشد نه به قول شاعر:

سبحه بر کف توبه بر لب دل پر از میل گناه
معصیت را خنده می‌آید ز استغفار ما